

Quarterly Scientific Journal of Human Resources
& Capital Studies

Online ISSN: 2783-3984

<http://ensani.ir/fa/article/journal/1568>

<http://civilica.com/1/87979/#>

<http://magiran.com/8116>

Lean Governance

Reza Najari^{1*}, Ameneh Arzani²

1. Associate Professor, Department of Management, Payam Noor University, Tehran, Iran
2. PhD student in Public Administration, Department of Human Resources, Payam Noor University, Tehran, Iran

Date of receipt: 22/Nov/2022

Date of acceptance: 21/Dec/2022

Review

Governance is the process of making rules, implementing rules, reviewing, monitoring and applying feedback by exercising legitimate power and in order to achieve a common goal for all actors and stakeholders in the framework of values and arts in the environment of an organization or a country. In passing from good governance to healthy governance and then governance with scientific concepts for the purpose of research from the conceptual concepts to the material and spiritual using the feeling of peace in the framework of the thematic issue and ideological and cultural differences, After that, governance with an excellence approach in order to achieve the maximum goals of people in the society, The movement of the governance approach towards a deeper attention to material and spiritual needs with a view of welfare in the framework of the realization of justice and ideological and cultural differences, The concept of Exalted governance with Islamic and God-centered approach was explained in the form of the concept of pure governance. In this research, using the library method, the concept of lean governance and its components are expressed, and finally, the researcher's model is presented. Lean governance is proposed as a developed model of superior governance for communities.

Keywords: investment, trust, accountability, responsibility, Maragheh

حکمرانی ناب

رضا نجاری^۱، * آمنه ارزانی^۲

۱. دانشیار، گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکترای مدیریت دولتی، منابع انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۷

چکیده:

حکمرانی، فرایند قاعده گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به منظور دستیابی به هدف مشترکی برای همه کنشگران و ذینفعان در چارچوب ارزشها و هنجارها در محیط یک سازمان یا یک کشور است. در گذار از حکمرانی خوب به حکمرانی سالم و پس از آن حکمرانی با رویکرد تعالی به منظور تحقق حداکثری اهداف افراد در جامعه، حرکت رویکرد حکمرانی به سوی توجه عمیق تر به نیازهای مادی و معنوی با نگاه رفاه در چهارچوب تحقق عدالت محوری و تفاوت های ایدئولوژیک و فرهنگی، مفهوم حکمرانی متعالی با رویکرد اسلامی و خدمات محوری در قالب مفهوم حکمرانی ناب تبیین گشت. در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه ای به بیان مفهوم حکمرانی ناب و مولفه های آن پرداخته و در نهایت مدل محقق ساخته ارائه می گردد. حکمرانی ناب به عنوان مدل تکامل یافته حکمرانی متعالی برای جوامع پیشنهاد می گردد.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، حکمرانی سالم، حکمرانی متعالی، حکمرانی ناب

۱- مقدمه

امروزه دنیا شکل به هم پیوسته ای گرفته و بسیاری از دولت ها به دنبال طراحی و اجرای سیاست هایی هستند که از طریق آنها مردم خود را به توسعه و پیشرفت هر چه بیشتر برسانند و در این راه تعامل بین المللی نیز داشته باشند. طی سالهای گذشته، تحقیقات فراوانی برای درک فرایند توسعه صورت پذیرفته و پارادایم نظریه های گوناگونی در این زمینه بیان شده است. در حال حاضر، پارادایم حکمرانی پارادایم غالب در این حوزه است (سلیمی و مکنون، ۱۳۹۷، ص ۱). خط مشی گذاری فرایندی است که در نظام های حکومتی در جوامع مختلف با توجه به زمینه ها و ساختارها شکل خاص و ویژه خود را دارد؛ از این رو ماهیت خط مشی گذاری در

هر جامعه ای تابعی است از محیط و ساختارهای آن جامعه به تعبیر دیگر می توان گفت که ماهیت نظام خط مشی گذاری، تابع و برآیندی از محیط و نظام های سیاسی اقتصادی، اجرایی، اجتماعی و فرهنگی آن است (عطار و خواجه نایینی ۱۳۹۴).

در حال حاضر، رشد فزاینده حکمرانی به جهت جغرافیایی و جاگیری آن در نظام های آموزشی کشورهای مختلف به ویژه در سطوح آموزش عالی و دانشگاهی (مدرسه حکمرانی شهید بهشتی، ۱۳۹۶) همراه با افزایش حوزه های علمی و مطالعاتی که این مفهوم در آنها طرح شده و برای حل مسایل آنها به کار گرفته شده و شاید مهمتر از اینها داعیه ای که حکمرانی برای پیشگیری و حل مسایل بزرگ و فرابخشی جهانی مانند مشکلات زیست محیطی و ملی دارد این مفهوم را غیرقابل چشم پوشی و حتی شایسته توجه و کاوش علمی و نظری نموده است. با تمام تلاش های بکاررفته، «حکمرانی» را می توان هنوز مفهومی در حال «تکوین شدن» دانست. بخش عمده ای از ادبیات این بحث، با گزاره هایی این چنینی آغاز میشود که: «از حکمرانی تعریف های بسیاری ارائه شده ...» یا «حکمرانی مفهومی مبهم است ...» و غالباً این گزاره ها را به ضعف یا ناکارآمدی حکمرانی معنا کرده اند در حالیکه به نظر می رسد وضعیت پیش گفته برای مفهومی که در حال تکوین است می تواند امتیاز و نقطه قوت شمرده شده و بلکه بر توان انعطاف و سازگاری آن با زیست بوم های معرفتی و دانشی گوناگون دلالت داشته باشد (مزینانی، ۱۳۹۹، ص ۲).

بر اساس این تعریف، تنظیم قوانین و فرآیندهایی که بر سبک سیاست گذاری و نحوه نقش آفرینی کنشگران و ذینفعان در فرآیند سیاست گذاری و اعمال قدرت تاثیر می گذارد بخشی از وظایف حکمرانی است. بعلاوه موفقیت حکمرانی معمولاً با مشخصه هایی از جمله: دستیابی به ارزشها، رضایتمندی، عدالت گستری، مهار فساد، مشارکت، مسئولیت پذیری، اثربخشی، یکپارچگی، و امثال آن سنجیده می شود. چگونگی دستیابی حکمرانان به چنین قدرتی برای اداره امور عمومی سازمان یا کشور به رویه قابل قبول و یا رویه قابل پیاده شدن حکمرانی در میان ذینفعان اصلی و یا کلیه ذینفعان بر می گردد.

حکمرانی خوب صرفاً مفهومی تحلیلی نیست بلکه واجد ارزشهای اخلاقی و سیاسی است در نتیجه آنچه دشواری بیشتری در تبیین این مفهوم ایجاد می نماید سوء کاربردها و سوء تفاهماتی است که به واسطه بهره گیری ابزاری از مؤلفه ها و چشم اندازهای حکمرانی خوب بروز می نماید و موجب شکل گیری رویکردهای نوعاً متعارضی در میان تحلیل گران این حوزه می شود. استفاده ابزاری از ارزشها و انسان دوستانه توسط کشورهای غربی و تفسیر یک جانبه و تقلیل گرایانه از ارزشهای الهی انسانی یکی از بارزترین مشکلاتی است که در این زمینه وجود دارد و باید ما را متقاعد کرده باشد که تنها راه موفقیت در این زمینه انجام اقدامات پیشدستانه و ترسیم الگوی متعالی حکمرانی خوب از دیدگاه نظام اسلامی است. رویکرد محدود و بخشی نگر؛ با فرض تحقق

اولویت های الگوی حکمرانی خوب نمیتوان انتظار داشت که اهداف متعالی سیاسی موردنظر در دیدگاه اسلامی به طور کامل محقق شود اولویت رویکرد این جهانی به بحث حکمرانی در چارچوب تعاریف و دیدگاه های موجود و نادیده گرفتن ابعاد و مؤلفه های رشد معنوی و مسئولیت پذیری شرعی در باب سیاست یکی از ایرادهای وارده به بحث حکمرانی خوب در شکل فعلی آن است (افخمی و رضایی، ۱۳۹۹، ص ۱۶). یکی از مسائل مهم جهان امروز تغییرات سریع دولت و فرایندهای حکمرانی و مدیریت است. نقش سنتی و تاریخی دولتها تغییر یافته و، به تبع آن، ماهیت فرایندهای حکمرانی و مدیریت در سراسر جهان دگرگون شده است. آنچه بدان بیشتر توجه شده، حکمرانی خوب است. نارسایی های حکمرانی خوب^۱ سبب شد که مفهوم حکمرانی جامع مطرح شود (خاشعی و هرندی، ۱۳۹۳، ص ۱).

در برابر ایده حکمرانی خوب، پرفسور فرازمنند^۲ ایده حکمرانی سالم را مطرح و عنوان می کنند که این ایده را از حکومت ایران باستان و حکومت داریوش اخذ کرده است. از نظر وی، حکمرانی سالم همه مشخصات حکمرانی خوب را دارد. حکمرانی خوب در بن خود یک دیکتاتوری پنهان دارد؛ به نحوی که کشورهایی که در مسیر جهانی شدن حرکت نکنند از سوی کشورهای قدرتمند مورد تهدید واقع می شوند، شما نمونه های برخورد کشورهای ابرقدرت با کوبا، ایران و ... را می بینید. تصمیم گیری مستقل در سطح سیاسی و در سطح جهانی یکی از مهم ترین شاخص های حکمرانی سالم است. حکمرانی سالم می گوید کشورها باید بتوانند تصمیمات خودشان را بگیرند بر اساس منافع خودش نه بر اساس منافع سازمان های بین المللی و کشورهای قدرتمند (فرازمنند، نشست تخصصی ۴۰، مدرسه حکمرانی شهید بهشتی).

همانگونه که عنوان شد در انتقاد از حکمرانی خوب، حکمرانی سالم به برداشت آزاد و متنوع از شیوه و معیارهای حکمرانی خوب در کشورهای مختلف تاکید دارد و معتقد است که حکمرانی باید مطابق با آداب، رسوم و فرهنگ محلی هر کشور تعریف و سازماندهی شود. البته همچنان معیار اصلی در حکمرانی سالم، همانند حکمرانی خوب، رفاه مردم می باشد. حکمرانی صحیح، مجوز، افشا و اجرای چارچوب های نظارتی را برای همه محصولات مالی، بازارها و ارائه دهندگان خدمات ایجاد می کند.

منطق و خصوصیات مفهوم «حکمرانی سالم» به دلایل متعدد به عنوان جایگزینی برای واژه حکمرانی خوب به کار رفته است. اولاً، جامع تر از هر مفهوم دیگری است و عنصر مهم جهانی یا بین المللی حکمرانی را در بر

^۱ good governance

^۲ پرفسور فرازمنند استاد دانشگاه فلوریدای ایالات متحده آمریکا و از شناخته شده ترین چهره های در بین اساتید و پژوهشگران حوزه مدیریت دولتی هستند. ایشان مسئولیت های اجرایی فراوانی داشتند از جمله: فعالیت در کمیته اداره عمومی سازمان ملل به عنوان مشاور دبیر کل این سازمان و همچنین سردبیری مجله انگلیسی زبان (Public Organization Review) بر عهده دارند. در عرصه نظری نیز ایشان نویسنده و ویراستار ۲۴ جلد کتاب بین المللی و ۱۴۰ مقاله بوده اند. در خصوص ایران نیز کتاب هایی را به نگارش در آورده اند از جمله کتاب «دولت، بروکراسی و انقلاب در ایران مدرن». از دیگر کتب ایشان می توان به «مدیریت بحران: تئوری و عمل»، «سیستم های مدرن حکومت: کاوشی در نقش بروکرات ها و سیاست مداران» و «مدیریت عمومی در بافتار جهانی» اشاره کرد.

می‌گیرد. دوم، ویژگی‌های هنجاری و فنی و عقلانی حکمرانی خوب را نیز در بر می‌گیرد. با این حال، دیدگاهی متعادل از حکومت ارائه می‌کند که کمتر مغرضانه است و ویژگی‌های اصیل سیستم‌های حکومتی بومی را در نظر می‌گیرد که ممکن است در تضاد با ساختارهای قدرت جدید استعمارگر در سطح جهانی باشد. به عبارت دیگر، یک دولت یا حکومت ممکن است سالم باشد و در عین حال نظام ارزشی آن در تضاد یا در تضاد با منافع خارجی، امپریالیستی و سیاست‌های مداخله‌جویانه آنها باشد. سوم، مفهوم حکمرانی سالم دارای تمام ویژگی‌های کیفی حکمرانی است که بر حکمرانی خوب برتری دارد و از نظر فنی، حرفه‌ای، سازمانی، مدیریتی، سیاسی، دموکراتیک و اقتصادی، سالم است، از نظر ظرفیت و رفتار قابل پیش‌بینی است، از نظر شخصیت، پاسخگویی و شایستگی دموکراتیک است و ارزش‌های فرهنگی آن در ارزش‌ها و ساختارهای اجتماعی نهفته است. چهارم، حکمرانی سالم مطابق با ارزش‌های قانون اساسی و پاسخگو به هنجارها، قواعد و رژیم‌های بین‌المللی است. حکمرانی خوب که توسط حامیان آن تعریف شده است، این ویژگی مهم قانون اساسی را که دولت-ملت‌ها و دولت‌های مستقل را محدود می‌کند، نادیده می‌گیرد. پنجم، مفهوم حکمرانی صحیح منشأ باستانی در اولین امپراتوری دولتی جهانی ایران با سیستم اداری بسیار کارآمد و مؤثر دارد (کامرون، ۱۹۶۸؛ کوک، ۱۹۸۵؛ فرازمنند، ۱۹۹۸؛ فرای، ۱۹۷۵؛ گیرشمن، ۱۹۵۴؛ اولمستد، ۱۹۴۸). به گفته داریوش کبیر، جانشین کوروش کبیر، «هیچ امپراتوری بدون «اقتصاد سالم و نظام حکومتی و اداری سالم» نمی‌تواند با شکوفایی دوام بیاورد، و امپراتوری ایران نیاز داشت تا نظام حکومتی و اداری خود را با اقتصادی سالم بازسازی کند. سیاست‌های مدیریتی و سازمانی که نه تنها در انجام امور جاری امپراتوری در سرزمین‌های دور کارآمد بود، بلکه در کنترل سیاسی و پاسخ‌های پیش‌بینی‌کننده آن به بحران‌ها و شرایط اضطراری غیرمنتظره نیز مؤثر بود و برای اداره و مدیریت یک امپراتوری دولتی جهانی به قدری بزرگ که تقریباً تمام دنیای شناخته شده دوران باستان را در بر می‌گرفت کارآمد بود (Farazmand, 2004).

p.11-12)

پس از رویکرد حکمرانی سالم و در جریان پوشش ضعف‌های موجود رویکرد حکمرانی متعالی مطرح شد. رویکرد جهانی حکمرانی متعالی در جهت دستیابی به اهدافی شامل توسعه انسانی پایدار، ایجاد رفاه اجتماعی پایدار با تأکید بر حفظ محیط زیست، ثبات سیاسی و اقتصادی و همچنین توسعه مشارکت زنان می‌باشد (جوآنمردزاده و دیگران، ۱۳۹۹).

الگوی حکمرانی متعالی، شیوه حکومتی است که بر اساس مبانی، اصول و روشهای اسلامی و متکی بر مطلوبیت‌ها و خواست‌های اسلام طرح ریزی شده است. این الگو که بر مبنای نظریه مردم‌سالاری دینی طراحی شده است، تبدیلی برتر برای مدل حکمرانی خوب محسوب می‌شود و می‌تواند برای ادیان و مذاهب گوناگون مورد استفاده قرار گیرد. مولفه‌ها اصول و شاخص‌های حکمرانی اسلامی در چارچوب سه رابطه اصلی روابط حکومت و مردم، روابط حکومت با عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و نظام اداری و روابط اجزای

حکومت قابل طراحی و تبیین است (حسین زاده بحرینی، ۱۳۸۶، ص ۲۰).

حکمرانی متعالی داستان تعهد، آگاهانه جدی مستمر و مستقل جامعه به تحقق عدالت اجتماعی است؛ بنابراین علاوه بر ویژگی های حکمرانی خوب، نظیر حاکمیت قانون، بهبود کیفیت، بهره مندی از سیستم قضایی مستقل، تفکیک قوای متعادل، تلاش برای نیل به اجماع در جامعه، تمرکززدایی و مبارزه با فساد و رفتارهای خودسرانه، رعایت منافع ملی در عقد قراردادها، شایسته سالاری اداری، کاهش هزینه و توجه به بازده عملکرد نیز مورد توجه قرار می گیرد. بدین ترتیب در اثر توسعه حکمرانی متعالی جامعه ای متعالی شکل می گیرد؛ جامعه ای آگاه، جدی، مستقل و مراقب. این مهم مستلزم جهاد در همه ارکان و احوال زندگی است. جهادی که حتی در حفظ شرایط اقتصادی و اجتماعی نیز متجلی می شود. در نظریه حاکمیت الهی، قدرت، ناشی از نیرویی ماوراءالطبیعه است که از سوی خداوند طبق موازین و احکامی به مسئولان و مراتب پایین تر انتقال می یابد (عابدی درچه، ۱۳۹۹، ص ۴). در پاسخ به نیاز به توجه به خواسته های مادی و معنوی افراد رویکرد حکمرانی ناب به عنوان رویکردی فراتر از حکمرانی متعالی و جامع تر و گسترده تر از آن مطرح شد. حکمرانی ناب شکل تکامل یافته حکمرانی متعالی با رویکرد ایدئولوژیک مبتنی بر اسلام است.

۲- مبانی نظری (تاریخچه و مفهوم)

مفهوم حکمرانی

حکمرانی به معنای حاکمیت شبکه هایی است که پیوند دهنده جامعه مدنی با دولت و بخش خصوصی است. به عبارت دیگر فرآیند جدید رهبری و هدایت جامعه را حکمرانی گویند. مفهوم حکمرانی گسترده تر از حکومت است و به معنای برآیند همبستگی و تعامل اقدامات و رفتارهای بازیگران بخشهای مختلف جامعه است (آقازاده و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۳۰).

واژه حکمرانی، ترجمه واژه **governance** از زبان انگلیسی است. این واژه انگلیسی گاهی به حاکمیت نیز ترجمه شده است. فعل **govern** در زبان انگلیسی به معنای جهت دهی کردن هدایت کردن حکم کردن یا راندن به کار می رود. به لحاظ ریشه شناسی، واژه **governance** و مشتقات آن از واژه یونانی گرفته شده که به معنای راندن یا هدایت یک کشتی است. برای واژه انگلیسی **Governance** در زبان فارسی معادل‌های فراوانی مطرح شده است. واژگانی همچون؛ ولایت، حکمرانی، حکمروایی، زمامداری، تدبیر امور، فرمانروایی، راهبری، شهرداری، امارات و

از نظر واژه شناسی، حکمرانی به واژه یونانی کورنان^۱ به معنای هدایت کردن بازمی گردد و توسط افلاطون

در رابطه با چگونگی طراحی نظام حکومت^۱ استفاده شده است. ریشه این اصطلاح یونانی از لغت گوبرناره^۲ در لاتین قرون وسطی است که بر همان مفاهیم هدایت کردن، قانون گذاری یا راندن دلالت می کند. این اصطلاح در فرهنگ فشرده آکسفورد مترادف با واژه حکومت^۳ استفاده شده است (بشیری و شقاقی شهری، ۱۳۹۰، ص ۷۰). در محاورات رایج معاصر نیز به این معناست چگونه بازیگران - موجودیت های چندملیتی، حکومت ها، نهادهای عمومی، شرکت های خصوصی انجمن ها گروه های اجتماعی یا سیاسی اشخاص حقیقی یا ترکیبی از این موارد - برای تحقق اهدافی که آن بازیگران در آن موافق یا مشترک بوده اند جهت دهی شده اند. حکمرانی در این برداشت عمومی به این اشاره دارد که چگونه بازیگران به منظور تحقق اهدافی که آنها در آن موافق یا مشترک بوده اند، سازماندهی و مدیریت شده اند (Lynn & Laurence, 2010, p.3).

حکمرانی، فرایند قاعده گذاری، اجرای قواعد، بررسی، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مشروع و به منظور دستیابی به هدف مشترکی برای همه کنشگران و ذینفعان در چارچوب ارزشها و هنجارها در محیط یک سازمان یا یک کشور است (Farazmand, 2004, p. 12). چگونگی میدان دادن به نظام ارزشی ذینفعان در یک رویه حکمرانی باعث می شود که مدل‌های مختلفی از شیوه‌های پیاده سازی حکمرانی در جهان معاصر مطرح باشد از جمله: حکمرانی خوب، حکمرانی متعالی، حکمرانی ناب و دیگر شیوه‌های حکمرانی.

سیر تحولات نظری حکومت داری

پس از جنگ جهانی دوم، کشورهای غربی در پی ترمیم خرابی ها و توسعه کشورهای آسیب دیده از جنگ برآمدند. پیدایش نظریه های حکومت داری بعد از جنگ جهانی دوم و تحولات نظری در این حوزه را می توان در سه دوره تقسیم بندی کرد:

۱. **رویکرد دولت بزرگ:** در این دوره که پس از جنگ جهانی دوم یعنی از سال ۱۹۴۵ آغاز شد و تا اواخر دهه ۱۹۷۰ ادامه یافت، نظریه دولت بزرگ و مقتدر رواج بیشتری داشت. مقبولیت این نظریه به این دلیل بود که به نظر می رسید برای بازسازی خرابی های پس از جنگ، به دولت مقتداری نیاز است که با در اختیار گرفتن بخش های مختلف، کشور را به سمت توسعه، هدایت کند. البته این نظریه متأثر از دولت های برنامه ریز شوروی سابق بود (بشیری و شقاقی شهری، ۱۳۹۰، ص ۷۱). لازم به یادآوری است که این رویکرد بر اساس راهنمایی مشاوران و اقتصاددانان کینزی در غرب، به اجرا گذاشته شد (نادری، ۱۳۹۰، ص ۸۰).

^۱ System of rule
^۲ Gubenare
^۳ Government

۲. رویکرد دولت کوچک: در سال های میانی دهه ۷۰، کم کم ناکارآمدی سیستم دولتی مشخص شد و دخالت وسیع دولت در بخش های مختلف، نه تنها رشد اقتصادی را به همراه نیاورد، بلکه موجب کاهش بازده سرمایه گذاری ها، رخداد بحران های متعدد، بیکاری، تورم و غیره شد. در این زمان فرصت برای نظریه رقیب که قائل به دولت کوچک و سازوکار بازار آزاد برای کنترل بازار بود، فراهم شد. شعار مطرح شده جادوی بازار^۱ ریگان و کوچک کردن دولت^۲ تاچر، به شعار اصلی دهه ۸۰ تبدیل شد (نیکونسبتی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۲). سال ۱۹۸۹ در کنفرانسی که با حضور نهادهای ملی آمریکا مانند بانک مرکزی، نهادهای اقتصادی دولت آمریکا و نهادهای بین المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در واشنگتن برگزار شد، مهمترین سیاست های اقتصاد بازار بنا شد که بعدها مجموع این سیاست ها اجماع واشنگتنی^۳ نام گرفت. اجماع واشنگتنی زیربنای دولت کوچک را فراهم کرد، همچنین فروپاشی شوروی سابق در دهه ۹۰ به شکل گیری نظریه دولت کوچک سرعت بخشید (خیرخواهان و معینی، ۱۳۸۳). بر اساس این نظریه دولت باید کوچک شود و نقش آن در تولید ناخالص داخلی و اقتصاد کاهش یابد. بر مبنای این نظریه، دولت باید در کارهای بازار کمتر وارد شود و بیشتر کارها را به نیروهای بازار واگذار کند. در چنین شرایطی دیدگاه طرفداران اقتصاد بازار که خصوصی سازی را یک غایت و کمال مطلوب می دانستند و خواهان کاهش سهم دولت در تولید ناخالص داخلی بودند و به قدرت بازار، انتخاب مردم کارآمدی، رقابت و قیمت بازار اعتقاد داشتند و معتقد بودند که این شیوه می تواند جای تخصیص دولتی منابع را بگیرند حاکم گردید. طبق این دیدگاه بازارها بهترین نتایج را به بار می آورند و قیمتها بهترین تخصیص دهنده منابع هستند و هرگونه دخالت دولتی برای تغییر آنچه بازارها به وجود می آورند ضد تولیدی شمرده می شود. با توجه به این رویکرد، نگاه به دولت به عنوان عامل توسعه به جدی ترین مانع توسعه تغییر یافت (دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵).

۳. حکمرانی خوب^۴: خصوصی سازی های سریع، بدون ایجاد نهادهای لازم و پیش نیازهای مطلوب، سبب به وجود آمدن مشکلاتی شد. همچنین حوادث پایانی دهه ۱۹۹۰، هم چون بحران شرق آسیا، تجربه ناموفق کشورهای اروپای شرقی و شوروی سابق و بحران های متعدد مالی در طول ۲۵ سال پیش از آن، بسیاری از کارشناسان بانک جهانی را به انتقاد از سیاستهای اجماع واشنگتنی واداشت. شواهد موجود، نهادهای بین المللی مانند بانک جهانی را مجاب به پذیرش انتقادهای وارد شده بر دولت کوچک کرد و

^۱ Magic of Market

^۲ Minimization of Government

^۳ Washington Consensus

^۴ good.gov

اقتصاددان این نهاد برای حل مشکلات موجود، نظریه حکمرانی خوب را مطرح کردند (سلیمی و مکنون، ۱۳۹۷، ص ۶).

حکمرانی خوب مفهوم تازه ای است که در ادبیات مدیریت و توسعه جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده و در اصلاحات مدیریتی شاخص های دقیقی را مطرح ساخته است. امروزه حکمرانی خوب از معنای اولیه آن که ویژگی هایی را برای دولت ها بر می شمرد فراتر رفته است و آن را حاصل تعامل و ارتباط متقابل دولت، سازمان های غیر دولتی، بخش خصوصی، سازمان های نظامی، نهادهای مذهبی و گروه های ذینفوذ داشته است که از طریق رسانه ها به هم پیوند می خورند. بدین ترتیب حکمرانی خوب شبکه ای از کنشگران جامعه مدنی است که به همراه هم توسعه و بهبود را برای جامعه به ارمغان می آورد (الوانی، ۱۳۸۸، ص ۱).

"حکمرانی خوب" مفهومی است که توسط سازمان های بین المللی در اواخر دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات توسعه شده و بر اساس معیارهای خاص، حکمرانی را حاصل تعامل و ارتباط متقابل دولت و کنشگران جامعه مدنی (سازمانهای غیردولتی، بخش خصوصی، گروه های ذی نفوذ و رسانه ها) جهت نیل به توسعه در هر کشوری می داند. معیارهای حکمرانی خوب از نظر این سازمانها عبارت است از: مشارکت، حاکمیت قانون، شفافیت، پاسخ گوئی، وفاق عمومی، حقوق مساوی، اثر بخشی و کارایی و مسئولیت پذیری. از سوی دیگر مطالعات توسعه و آمارهای سازمان های جهانی بیانگر آن است که از مهمترین عوامل رشد و توسعه کشورها، «حکمرانی خوب» است، چنانکه حکمرانی خوب را بنیان توسعه خوانده اند. حکمرانی خوب عبارت است از فرایند تدوین و اجرای خط مشی های عمومی در زمینه های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با مشارکت سازمانهای جامعه مدنی و با رعایت اصول شفافیت، پاسخگویی و اثربخشی به گونه ای که ضمن برآوردن نیازهای اساسی جامعه، به تحقق عدالت، امنیت و توسعه پایدار منابع انسانی منجر شود (Moradi, et al., 2018, p. 151).

مفهوم حکمرانی غالباً با صفت خوب یا مطلوب همراه بوده است و حکمرانی خوب واجد ویژگیهای شفافیت، پاسخگویی، مشارکت، اثربخشی و انسجام است. بر این اساس حکمرانی خوب به شیوه های از اداره کردن گفته میشود که ویژگی هایی چون شفافیت عملکرد، پاسخگویی به ذینفعان، مشارکت در تصمیم گیری، اثربخشی هدفها و انسجام سازمانی را دارا باشد (فتح الهی و دیگران، ۲۰۱۴، ص ۴۸).

حکمرانی خوب به خصوص در کشورهای در حال توسعه و در راستای استقرار و نهادینه سازی جامعه مدنی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. موضوع محوری حکمرانی خوب چگونگی دست یافتن به حکومتی است که بتواند زمینه ساز توسعه ای عادلانه و مردم سالار باشد (نقیبی مفرد، ۱۳۸۹، ص ۱۳۰).

از نظر کافمن حکمرانی خوب عبارت است از حاکمیتی که بر مبنای ابعاد گوناگون پاسخگوئی خارجی و ندای ذی نفعان، ثبات سیاسی و فقدان خشونت و تبه کاری و تروریزم اثر بخشی، دولت فقدان تحمیل، قوانین

حاکمیت، قانون کنترل فساد قابل سنجش است (کافمن، ۲۰۰۳، ص ۵). از نظر برنامه توسعه ملل متحد حکمرانی خوب عبارت است از حاکمیت با ویژگی هایی همچون مشارکت جویی شفافیت پاسخ گویی اثربخشی، رعایت برابری ارتقای حاکمیت قانون و تعیین اولویت های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر مبنای اجماع وسیع تر، که در آن ندای ضعیف ترین و آسیب پذیرترین افراد در اتخاذ تصمیمات و تخصیص منابع شنیده شود (UNEP¹, 1997, p.25) در پاسخ به انتقادات وارده بر حکمرانی خوب، رویکرد حکمرانی سالم مطرح شد:

۴. حکمرانی سالم^۲

حکمرانی سالم یک شرط ضروری برای کشورها برای رویارویی با چالش های جدید و تأثیرگذاری بر تقاضاهای روزافزون شهروندان در حوزه های حکومت داری اجتماعی است. مجموعه ای از ارزش های کلیدی حکمرانی عمومی، همراه با نهادهای دموکراتیک مؤثر، هسته اصلی حکمرانی عمومی سالم را تشکیل می دهند: این ارزش ها ابزار ضروری برای مشارکت در تصمیم گیری باز، عادلانه و فراگیر در راستای منافع عمومی و در مشارکت با شهروندان برای افزایش رفاه و تسری ایده رفاه برای همه است. بنابراین حکمرانی عمومی سالم به خودی خود یک هدف نیست، بلکه فرآیندی برای بهبود نتایج فردی و اجتماعی است (OECD, 2021).

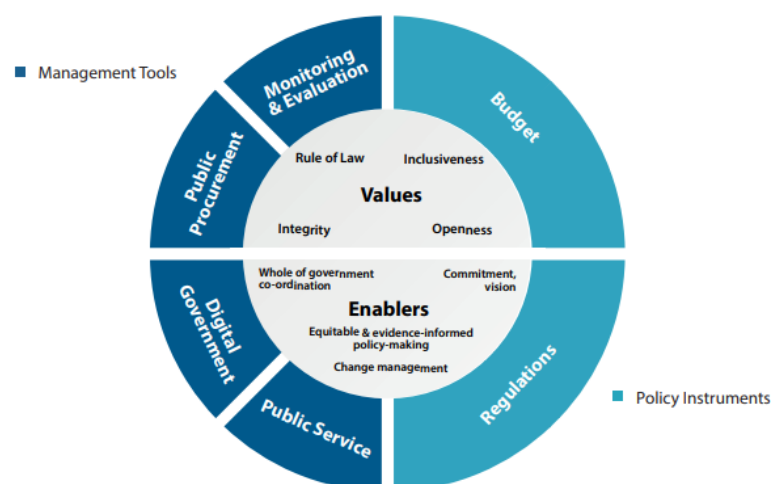
منطق و خصوصیات مفهوم «حکمرانی سالم» به دلایل متعدد به عنوان جایگزینی برای واژه حکمرانی خوب به کار رفته است. اولاً، جامع تر از هر مفهوم دیگری است و عنصر مهم جهانی یا بین المللی حکمرانی را در بر می گیرد. دوم، ویژگی های هنجاری و فنی و عقلانی حکمرانی خوب را نیز در بر می گیرد. با این حال، دیدگاهی متعادل از حکومت ارائه می کند که کمتر مغرضانه است و ویژگی های اصیل سیستم های حکومتی بومی را در نظر می گیرد که ممکن است در تضاد با ساختارهای قدرت جدید استعمارگر در سطح جهانی باشد. به عبارت دیگر، یک دولت یا حکومت ممکن است سالم باشد و در عین حال نظام ارزشی آن در تضاد یا در تضاد با منافع خارجی، امپریالیستی و سیاست های مداخله جویانه آنها باشد. سوم، مفهوم حکمرانی سالم دارای تمام ویژگی های کیفی حکمرانی است که بر حکمرانی خوب برتری دارد و از نظر فنی، حرفه ای، سازمانی، مدیریتی، سیاسی، دموکراتیک و اقتصادی، سالم است، از نظر ظرفیت و رفتار قابل پیش بینی است، از نظر شخصیت، پاسخگویی و شایستگی دموکراتیک است و ارزش های فرهنگی آن در ارزش ها و ساختارهای اجتماعی نهفته است. چهارم، حکمرانی سالم مطابق با ارزش های قانون اساسی و پاسخگو به هنجارها، قواعد و رژیم های بین المللی است. حکمرانی خوب که توسط حامیان آن تعریف شده است، این ویژگی مهم قانون اساسی را که دولت-ملت ها و دولت های مستقل را محدود می کند، نادیده می گیرد. پنجم، مفهوم حکمرانی صحیح منشأ باستانی در اولین امپراتوری دولتی جهانی

ایران با سیستم اداری بسیار کارآمد و مؤثر دارد (کامرون، ۱۹۶۸؛ کوک، ۱۹۸۵؛ فرازمنند، ۱۹۹۸؛ فرای، ۱۹۷۵؛ گیرشمن، ۱۹۵۴؛ اولمستد، ۱۹۴۸). به گفته داریوش کبیر، جانشین کوروش کبیر، «هیچ امپراطوری بدون «اقتصاد سالم و نظام حکومتی و اداری سالم» نمی‌تواند با شکوفایی دوام بیاورد، و امپراتوری ایران نیاز داشت تا نظام حکومتی و اداری خود را با اقتصادی سالم بازسازی کند. سیاست‌های مدیریتی و سازمانی که نه تنها در انجام امور جاری امپراتوری در سرزمین‌های دور کارآمد بود، بلکه در کنترل سیاسی و پاسخ‌های پیش‌بینی‌کننده آن به بحران‌ها و شرایط اضطراری غیرمنتظره نیز مؤثر بود و برای اداره و مدیریت یک امپراتوری دولتی جهانی به قدری بزرگ که تقریباً تمام دنیای شناخته شده دوران باستان را در بر می‌گرفت کارآمد بود (Farazmand, 2004).

p. 10)

به عبارتی دیگر حکمرانی عمومی سالم یک شرط ضروری برای دموکراسی‌های کثرت‌گرا است تا به حاکمیت قانون و حقوق بشر احترام بگذارند، و نهادهای دموکراتیک کارآمد در هسته اصلی حکومت عمومی سالم قرار گیرند. بنابراین حکمرانی عمومی سالم ترکیبی از سه عنصر به هم پیوسته است (OCED, 2012)

- **ارزش‌ها:** اصول رفتاری وابسته به زمینه که حاکمیت عمومی را در تمام ابعاد آن به گونه‌ای هدایت می‌کند که منافع عمومی را ارتقا داده و حفظ کند.
- **توانمندسازها:** یک پیوند یکپارچه از شیوه‌ها که از طراحی و اجرای موثر اصلاحات پشتیبانی می‌کند.
- **ابزارها و ابزارها:** مجموعه‌ای از سیاست‌ها و شیوه‌های مدیریتی برای حکمرانی کارآمد و خط‌مشی و خدمات طراحی، اجرا و ارزیابی.



شکل ۱: عناصر حکمرانی سالم^۱ (OECD, Policy Framework on Sound Public Governance)

۵. حکمرانی متعالی

رویکرد جهانی حکمرانی متعالی در جهت دستیابی به اهدافی شامل توسعه انسانی پایدار، ایجاد رفاه اجتماعی پایدار با تاکید بر حفظ محیط زیست، ثبات سیاسی و اقتصادی و همچنین توسعه مشارکت زنان می باشد (جوآنمردزاده و دیگران، ۱۳۹۹).

الگوی حکمرانی متعالی، شیوه حکومتی است که بر اساس مبانی، اصول و روشهای اسلامی و متکی بر مطلوبیت ها و خواست های اسلام طرح ریزی شده است. این الگو که بر مبنای نظریه مردم سالاری دینی طراحی شده است، بدیلی برتر برای مدل حکمرانی خوب محسوب می شود و می تواند برای ادیان و مذاهب گوناگون مورد استفاده قرار گیرد. مولفه ها اصول و شاخص های حکمرانی اسلامی در چارچوب سه رابطه اصلی روابط حکومت و مردم، روابط حکومت با عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و نظام اداری و روابط اجزای حکومت قابل طراحی و تبیین است (حسین زاده بحرینی، ۱۳۸۶، ص ۲۰).

امروزه حکمرانی متعالی در مقیاس وسیعی از سطح محلی تا بین المللی به کار برده می شود. در این بین سطح محلی داری اهمیت ویژه ای است. جدیدترین تعریف بانک جهانی از حکمرانی متعالی عبارت است از: اتخاذ سیاست های پیش بینی شده و صریح حکومت، تصمیمات اداری و سیاسی شفاف، مسئولیت پذیری کارگزاران، پاسخگویی دستگاه های اجرایی در قبال عملکردهای خود، مشارکت فعال شهروندان و همچنین برابری همه شهروندان در برابر قانون تبلور می یابد (کری و کافمن^۲، ۲۰۰۷، ص ۵). حکمرانی متعالی مدیریت و هدایت جامع یک کشور در چهار چوب منافع ملی است. دغدغه اساسی اندیشمندان اجتماعی و تمرکز تفکرات هر یک از اندیشمندان جهانی، تحقق نوعی حاکمیت مطلوب متناسب با ایدئولوژی ها، آرمانها و مشخصات ملی جوامع بوده و در دیدگاه ها و اندیشه های اندیشمندان نیز مطرح شده است، لذا پایه و اساس حکمرانی متعالی، حکمرانی فرهنگی است (یقینی و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۳).

۶. حکمرانی ناب (حکمرانی متعالی اسلامی)

حکمرانی ناب (که در مرجع های مختلف از آن به عناوینی چون حکمرانی توحیدی، حکمرانی جامع رو به تعالی، حکمرانی خدامدار، حکمرانی متعالی اسلامی و حکمرانی اسلامی یاد شده است) به شیوه ای از حکمرانی گفته می شود که مبتنی بر یک نظام ارزشی الهی همچون اسلام برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی مردم در یک حوزه جغرافیایی و یا حوزه های گسترده تر مطرح می باشد. بر اساس نظریه حکمرانی متعالی، حکومت از آن

خداست و تنها اوست که می‌تواند بر انسان حکم براند به این دلیل حکمرانان تا زمانی دارای مشروعیت می‌باشند که از تزکیه نفس و مقبولیت برخوردار بوده و تنها مجری احکام الهی باشند.

در حکمرانی متعالی، تنظیم روابط، تبعیت و شیوه فعال سازی ظرفیت های کنشگران و ذینفعان، بر اساس هدایت الهی و اراده مردمی، شکل می‌گیرد. مهمترین شاخصه در حکمرانی متعالی، داشتن مولفه تعالی در تک تک حوزه‌های حکمرانی است (مدرسه حکمرانی شهید بهشتی).

از نگاه دیگر منظور از حکمرانی ناب، شیوه حکومتی است که در آن ابعاد روابط بین حکومت و مردم، تعامل اجزای تشکیل دهنده حکومت و رابطه آن با سایر حکومت ها در اهداف و سیاست ها، قوانین و خط مشی ها، برنامه ریزی و اجرا و نظارت و ارزیابی بر اساس مبانی اصول و روش های اسلامی تنظیم می‌گردد. در این چارچوب، تشکیلات اداری که با نرم افزار حکمرانی اسلامی به ساماندهی امور عمومی مردم می‌پردازد «دولت معیار» نامیده می‌شود. نظریه مردم سالاری دینی به عنوان اصل موضوعه برای طراحی الگوی حکمرانی متعالی اسلامی مطرح است. بر اساس تعریف فوق هدف حکمرانی متعالی اسلامی را می‌توان زمینه سازی برای توسعه و تعمیق عقلانیت تهذیب یافته، اخلاق و معنویت گرایی دینی و رشد تعالی و سعادت انسان دانست. بنابراین الگوی حکمرانی متعالی اسلامی به عنوان بدیل برتر مدل حکمرانی خوب می‌باشد. حکمرانی در آموزه های قرآنی معنا و مفهومی فراتر از مفهوم متعارف در علوم سیاسی دارد. «حکمرانی» هر چند به معنای فرآیند به کارگیری سیاست ها و تصمیم گیریها از سوی مقامات رسمی در دستگاه سیاسی است، لیکن در مفهوم قرآنی با کاربردهای ویژه ای همچون خلافت و ولایت از سوی خداوند برای بستر سازی کمال یابی بشر بیان شده است. از این رو همه چیز بر محور توحید و تکامل انسانی، معنا و مفهوم می‌یابد (کامرانی، ۱۳۹۸). به عبارت دیگر حکمرانی مطلوب خداپسندانه و خدامدار، عبارت است از سبک یا مدلی از حکمرانی که در سایه مشارکت شهروندان، به نتایج اجتماعی و اقتصادی مناسب؛ برپایه سنت پیامبران و بزرگان در حوزه دین و معنویت منجر می‌شود. موضوع محوری حکمرانی توحیدی و خدامدار، چگونگی دست یافتن به حکومتی است که بتواند زمینه ساز توسعه ای عادلانه و مردم سالار باشد. دستورات صریح دین مبین اسلام در سال ها قبل، به طرح ایده حکمرانی ناب در قرآن کریم، روایات و سیره پیامبران و امامان پرداخته است؛ و بعد از گذشت قرن ها، فلسفه غرب به تازگی آن را به عنوان دستاورد بشری و پیش نیاز توسعه همه جانبه ارائه کرده است. بی توجهی به این منابع که همان حلقه مفقوده حکمرانی توحیدی در جوامع اسلامی است، بیش از پیش مشهود است (نژادلو و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۳). در مجموع، حکمرانی خدامدار را می‌توان چنین تعریف کرد: اعمال حاکمیت و مدیریت بر مبنای آموزه های دینی و اخلاقی؛ با شاخص هایی همچون قانونمندی، کارآمدی، خدمات رسانی به هنگام به شهروندان، پاسخگویی، مسئولیت پذیری، شفافیت پذیری، فسادناپذیری، نظارت پذیری، اهتمام دولت نسبت به عدالت گستری، امنیت گستری، توزیع

عدالانه و منطقی کالاها و خدمات، افزایش ظرفیت های مشارکت پذیری و رایزنی در حکومت، رفع تبعیض ها در ابعاد گوناگون، نهادینه سازی آزادی های قانونمند و حقوق شهروندی و مانند آن. براین اساس، حکمرانی خوب را می توان نظامی از ارزش ها، سیاست ها و نهاد هادانست؛ که جامعه به وسیله آن، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را از طریق سه بخش (دولت، خصوصی و مدنی) مدیریت می کند (Qolipour & Rahmatullah, 2008, p. 3).

ابعاد حکمرانی ناب (حکمرانی متعالی اسلامی)

حکمرانی جامع از عناصر یا ابعاد متعددی تشکیل شده است. این اجزای تشکیل دهنده، به منزله اجزای پرجنب و جوش یک سیستم پویا، فعالانه با یکدیگر تعامل می کنند و همگی واحد منحصربه فردی را تشکیل می دهند که همراه با تنوع، پیچیدگی و جدیت داخلی و چالش ها، محدودیتها و فرصتهای خارجی کار می کنند. ویژگیهای پویای داخلی و خارجی دائماً تعامل می کنند و این در حالی است که سیستم پویا حکمرانی را در مسیر و فعالیتهای هدفمند حفظ می کنند. تنوع به سیستم حکمرانی فرصت دریافت بازخور از نیروهای دیالکتیکی مخالف را می دهد که مانند سازوکارهای کنترل و موازنه عمل میکند. همچنین، تنوع خون تازه را به درون سیستم تزریق می کند و نوآوری و خلاقیت را افزایش می دهد. پیچیدگی، به منزله ثمره فعالیت پویای تنوع، و وارد شدن فزاینده تعداد زیادی از نیروهای خارجی و محیطی، که عملکرد سیستم حکمرانی را به چالش می کشند، گسترش می یابد. بنابراین، پیچیدگی، محصول تعاملات فزاینده میان نیروهای دیالکتیکی است که میدان فعالیت سیستم حکمرانی را شدیداً مملو از فعالیتهای پرجنب و جوش نگه می دارد. این فرایند در فعالیت بین المللی و واکنش های پویایش نسبت به فشارها، فرصتها، و محدودیتهای محیط خارجی در سطح محلی، ملی، منطقه ای، و جهانی به درجات مختلف هیجان در درون سیستم حکمرانی منجر می شود. هر چه فرصتها و عناصر پشتیبان خارجی بیشتر باشد، عملیات سیستم در درون روان تر می شود (دهقانان و مرندی، ۱۳۹۳). برعکس، هر چه فشارها، چالش ها، و محدودیت های دریافتی از خارج بیشتر باشد، عملکرد سیستم داخلی حکمرانی مشکل تر می شود (خاشعی و هرندی، ۱۳۹۳، ص ۵). ابعاد حکمرانی ناب به شرح زیر است:

۱. **خدا محوری:** ویژگی اصلی حکومت اسلامی، خدامحوری است. شعار اولیه اسلام، که توسط پیامبر عظیم الشان مطرح شد عبارت است از: "قولوا لا اله الا الله تفحلوا" (بگویند نیست خدایی جز خدای یگانه تا رستگار شوید). وقتی انسان یادآور مالکیت حقیقی خدا نسبت به همه چیز شود، هیچ مالکیتی برای او نمی ماند و همه مربوط به خداست و عملش سمت و سوی خدایی می یابد (بمانیان، ۱۳۸۶).
۲. **صراحت و روشنی در اهداف:** از جمله ویژگی های حکومت اسلامی که آن را از سایر حکومت های سیاسی متمایز می سازد، اهدافی است که بر اساس آن حکومت شکل می گیرد. هدف اصلی خداوند از

- آفرینش، دستیابی انسان به کمال نهایی خویش و مقام قرب الهی است، از این رو، هدف غایی و اصلی حکومت اسلامی نیز تعالی یافتن و یدست ابی انسانها به کمال نهایی است و سایر اهداف حکومت اسلامی، ابزار لازم را برای دستیابی به این هدف فراهم می سازد (جوادی آملی، ۱۳۸۷).
۳. **مسئولیت پذیری و پاسخگویی:** اصل مسئولیت پذیری انسان نوعی رفتار اخلاقی است که تعهدآور است؛ تعهدی که با اختیار و تصمیم آدمی منافات ندارد. مسئولیت پذیری کارگزاران و مدیران حکومت در برابر حقوق دیگران به معنای پاسخگویی در برابر و ظایفی است که برعهده دارند و به عنوان اخلاق حرفه ای و سازمانی باید به آن توجه جدی کنند. این نوع مسئولیت مبتنی است براینکه: "شما حق دارید و من تکلیف دارم" (آل کجیاف و دنیوی، ۱۳۹۱).
۴. **عدالت خواهی و عدالت گستری:** در اسلام ظلم به دیگران مذموم است و همگان به رعایت حقوق هم و رفتار عادلانه موظفند (پورطهماسبی و تاجور، ۱۳۸۹).
۵. **کنترل و نظارت بر عملکرد زیرمجموعه:** کنترل و نظارت بر عملکرد زیرمجموعه از دیرباز یکی از اصول مدیریتی به شمار می رود که نبود یا کم رنگ بودن آن، مدیریت را دچار مشکل می کند. اصل کنترل و نظارت با نظام آفرینش هماهنگ است؛ چرا که آفریدگار حکیم، اصل کنترل و نظارت را در مجموعه آفرینش منظور کرده و درباره انسان فرموده است: "إِنَّ كَلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ. فليُنظَرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ" (طارق آیات ۴-۵) (پورطهماسبی و تاجور، ۱۳۸۹).
۶. **کاهش فقر:** فقرزدایی به معنای حمایت از مستمندان و نیازمندان به عنوان یک اصل در حکومت اسلامی مطرح است که برای تحقق آن باید تلاش کرد؛ زیرا فقر و کمبود اقتصادی، عامل بروز بسیاری از مشکلات از جمله فساد اخلاقی و ناامنی در جامعه است (ناظم بکایی، ۱۳۸۲).
۷. **تأمین آزادی مشروع مردم:** برخورداری انسانها از آزادی در حوزه سیاست و اجتماع از دیگر ویژگیهای حکومت ناب است. (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۰).
۸. **ثبات سیاسی:** بی ثباتی سیاسی در کشور، که عواملی چون هرج و مرج، اعتصاب، شورش های نظامی، کودتاها، جنایات خشونت آمیز، و قومیت گرایی در ایجاد آن موثر است، ضمن جلوگیری از توسعه فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور، موجبات تاثیرگذاری آن بر کشورهای منطقه از طریق مهاجرت، ناامنی مرزها، قاچاق، تشدید اختلافات مرزی فراهم آورد و ثبات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و در مجموع امنیت ملی کشور را به مخاطره اندازد (فراهانی، ۱۳۷۶).
۹. **اثربخشی و کارایی دولت:** در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آنها از فشارهای سیاسی مد نظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خطمشی های عمومی و دولتی و

میزان تعهدی که دولت در برابر این سیاستها دارد در این شاخص در کانون ارزیابی قرار می گیرد. در نتیجه هرچه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و ختمشی های عمومی به دور از جنجال ها و خط و ربط های سیاسی وضع و اجرا شود و تعهد نظام سیاسی در برابر آنها بیشتر باشد، بیانگر وضعیت بهتری در حکمرانی خوب است (نادری، ۱۳۹۰).

۱۰. **حاکمیت قانون در اسلام:** یکی دیگر از وظایف دولت اسلامی، تأمین امنیت در سطح جامعه است. مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت است و درباره افراد به این معنی است که هراس و بیمی درباره حقوق و آزادی های مشروع خود نداشته باشند (ثواب، ۱۳۹۱).

۱۱. **اهتمام به علم و پیشرفت علمی:** جامعه اسلامی، دانش بنیان است و دانش و لوازمش، لازمه تحقق هدف غایی آفرینش انسان است (اخوان و خادم الحسینی، ۱۳۹۲). آیات آغاز سوره علق نشان می دهد رسالت اسلام بر علم بنا شده، و منشأ دانش خداست. دانش باید حفظ شود و قلم و نوشتن، بهترین ابزار ثبت آن است (علق، آیه ۱-۵). دانش درکنار ایمان عامل پیشرفت تدریجی است (مجادله، آیه ۱۱).

۱۲. **مشارکت:** میزان مشارکت مردم در کارهای جامعه یکی از کلیدی ترین پایه های حکمرانی خوب به شمار می رود. مشارکت می تواند به صورت مشارکت سیاسی - اجتماعی آزادی بیان و دیدگاه ها و تدوین سیاست های عدم تمرکز و مشارکت اقتصادی وجود فضای امن رقابتی و ارائه تسهیلات مناسب برای سرمایه گذاری بخش خصوصی باشد (جاسبی و نفری، ۱۳۸۸).

۱۳. **مبارزه با فساد:** فساد به معنی استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی است. این شاخص، مفهوم هایی مانند فساد در میان مقامات رسمی، اثر بخشی تدبیرهای ضد فساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه های خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی و... را اندازه گیری می کند. (نادری، ۱۳۹۰).

۱۴. **شفافیت اطلاعاتی:** در دین اسلام، صداقت حاکمان اهمیت بسیاری دارد. یکی از دلایل فساد سیاسی و نابسامانی های اجتماعی عدم شفافیت اطلاعاتی و نبود اطلاعات صحیح است. اطلاعات صحیح و درست مانع لغزش افراد جامعه می گردد. در جامعه ای که اطلاعات درست و شفاف جریان داشته باشد، سطح اعتماد افزایش می یابد و روابط اجتماعی سالم برقرار می گردد (امینی، ۱۳۸۷).

۱۵. **شایسته سالاری:** شایسته سالاری بهره گیری از انرژی خلاق افراد برگزیده است به طوری که در تمام اجزای آن مناسب ترین افراد هر کدام در جای واقعی خود قرار گیرند. به عقیده امام علی (ع)، مسئله توان و شایستگی افراد جزئی از بحث عدالت است و اصل مهمی در اداره جوامع است. (نصراصفهانی، ۱۳۸۹).

۱۶. **دوام و پایداری:** جامعه پایدار در پی بقا و بهبود ویژگی های اقتصادی و اجتماعی خود است تا اعضای آن

بتوانند سالم، بهره ور و با لذت زندگی کنند. دوام و پایداری جامعه، موجب سازگاری بین دولت و ملت می شود و با توازن بخشی به قدرت دولت، موجب امنیت اقتصادی و اجتماعی و کاهش تنش در جامعه می گردد (طاهری و دیگران، ۱۳۹۲).



شکل ۲: ابعاد حکمرانی ناب

حکمرانی ناب از منظر اندیشمندان مسلمان

مؤلفه ها و عناصر حکمرانی ناب از منظر اندیشمندان مسلمان عبارتند از: ایمان، معنویت، تقوا و اخلاق محوری؛ بصیرت دینی، آگاهی سیاسی، علم و فناوری و پژوهش؛ حاکمیت دین، عقل و قانون در جامعه؛ مردم سالاری دینی و نظارت مردمی و نهادی؛ مشارکت مردم، مشورت پذیری و تصمیم گیری منطقی با توکل به خداوند؛ شفافیت، مسئولیت پذیری و پاسخگویی؛ امانت داری، وفای به عهد و مبارزه با فساد؛ انصاف، عدالت محوری فضایی، قومی، نژادی و مذهبی؛ تأمین استقلال، آزادی، امنیت و استکبارستیزی همراه با عزت ملی؛ تعاون، همکاری، تأمین رفاه عمومی با خدمت رسانی به آحاد مردم جامعه؛ که البته آنها را می توان از سرفصل های اساسی حکمرانی متعالی معرفی کرد و از هر عنوانی جزئیاتی بیشتر استخراج نمود (عابدی درجه، ۱۳۹۹، ص ۲۴۳)

در مقام تحلیل، شاخص های مورد توجه نظریه پردازان در چارچوب حکمرانی اسلامی (حکمرانی ناب) یا حکمرانی مبتنی بر دین و آموزه های دینی یا اقتضات بومی می تواند و به تعبیر بهتر، باید دارای سه بُعد اساسی باشد: بُعد فردی، بُعد سازمانی، بُعد اجتماعی. (مزینانی، ۱۳۹۹، ص ۸)

در مجموع، حکمرانی خدامدار را می توان چنین تعریف کرد: اعمال حاکمیت و مدیریت بر مبنای آموزه های دینی و اخلاقی؛ با شاخص هایی همچون قانونمندی، کارآمدی، خدمات رسانی به هنگام به شهروندان، پاسخگویی، مسئولیت پذیری، شفافیت پذیری، فسادناپذیری، نظارت پذیری، اهتمام دولت نسبت به عدالت گستری، امنیت گستری، توزیع عادلانه و منطقی کالاها و خدمات، افزایش ظرفیت های مشارکت پذیری و رایزنی در حکومت، رفع تبعیض ها در ابعاد گوناگون، نهادینه سازی آزادی های قانونمند و حقوق شهروندی و مانند آن. بر این اساس، حکمرانی خوب را می توان نظامی از ارزش ها، سیاست ها و نهاد هادانست؛ که جامعه به وسیله آن، اقتصاد، سیاست و مسائل اجتماعی خود را از طریق سه بخش (دولت، خصوصی و مدنی) مدیریت می کند (Qolipour & Rahmatullah, 2008, p. 3).

حکمرانی اسلامی از جهت مبانی و حتی شاکله حتماً با سایر حکمرانی ها متفاوت است هرچند که اشتراکاتی هم دارد. بنابراین اولاً، حکمرانی اسلامی خاستگاه تئوریک متمایزی دارد و همین خاستگاه تئوریک متمایزی حکمرانی را در خیلی از ابعاد دگرگون می کند. ثانیاً، حکمرانی اسلامی علاوه بر مبانی و اصول تئوریک، در روبنا و شاکله حکمرانی هم حرف های خاصی دارد. به بیان دیگر، اسلام در عرصه عمل ساکت نیست و سیاست ها، روش ها، ابزارها، مکانیزم ها و نهادهای منحصر به فرد ارائه می کند که در حکمرانی اسلامی حضور دارد. البته روشن است که استفاده از عقل ابزاری در حکمرانی به صورت وسیعی رواج دارد و دستاوردهایی که از این طریق در حوزه حکمرانی حاصل می شود اسلامی است. به بیان دقیق تر، عقل ابزاری در حکمرانی اسلامی دو کارکرد دارد: یا از طریق محاسبه، ساماندهی، برنامه ریزی اجرایی و غیره، امکان تحقق عملی ایده های خالص دینی در حکمرانی را فراهم می کند و یا خودش در مواردی که دین سکوت کرده، رأساً هم ایده پردازی می کند و هم فرصت تحقق ایده ها را ایجاد می کند. اگر سؤال شود که شاخص های حکمرانی اسلامی چیست باید گفت که مقاصد اسلامی همان شاخص های حکمرانی اسلامی است. مثلاً، بسط عدالت و کاهش تبعیض و فاصله اجتماعی، رواج قانون گرایی، افزایش سواد عمومی، رشد مشارکت اجتماعی، گسترش آزادی های مشروع، افزایش حضور اخلاق، معنویت و شریعت در متن زندگی فردی و اجتماعی، افزایش وحدت و همبستگی، رشد خلاقیت ها، گسترش تولید و اشتغال با حفظ محیط زیست و اجتناب از مصرف گرایی، رونق کسب و کار حلال، بهبود کیفیت زندگی، گسترش آرامش و در یک کلمه، ایجاد فرصت رشد و تعالی (غلامی، ۱۳۹۹).

۳- روش تحقیق

۲- با توجه به ماهیت موضوع روش تحقیق در این پژوهش کتابخانه ای و اسنادی^۱ است. روش کتابخانه ای^۲

فرایندی منظم و پیوسته است که برای گردآوری اطلاعات جهت نگارش یک مقاله مورد استفاده قرار می‌گیرد. در طول فرایند یک مطالعه کتابخانه‌ای همواره لازم است که پژوهشگر به عقب برگردد و اطلاعات قبلی را اصلاح، تعدیل و بازنویسی نماید. روش تحقیق کتابخانه‌ای مهم‌ترین ابزار در نگارش یک مقاله مروری است. روش‌های کتابخانه‌ای در تمامی تحقیقات علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، ولی در بعضی از آنها در بخشی از فرایند تحقیق از این روش استفاده می‌شود و در بعضی از آنها موضوع تحقیق از حیث روش، ماهیتاً کتابخانه‌ای است و از آغاز تا انتها متکی بر یافته‌های تحقیق کتابخانه‌ای است. گام اول در تحقیق کتابخانه‌ای، آشنایی با نحوه استفاده از کتابخانه است یعنی پژوهشگران باید از روش‌های کتابداری، نحوه استفاده از برگ دان و ثبت مشخصات کتاب، نحوه جستجوی کتاب در کتابخانه و نیز رایانه‌های آن، مقررات بهره‌برداری و سفارش کتاب و نظایر آن اطلاع حاصل نمایند. در این روش مهم‌ترین ابزار پژوهشگر فیش برداری است. ابزار جمع‌آوری اطلاعات محقق در روش کتابخانه‌ای، همه اسناد چاپی همانند کتاب، دایره‌المعارف‌ها، فرهنگ‌نامه‌ها، مجلات، روزنامه‌ها، هفته‌نامه‌ها، ماهنامه‌ها، لغت‌نامه‌ها، سالنامه‌ها، مصاحبه‌های چاپ شده، پژوهش‌نامه‌ها، کتاب‌های همایش‌های علمی، متون چاپی نمایه شده در بانک‌های اطلاعاتی و اینترنت و اینترانت و هر منبعی که به صورت چاپی قابل شناسایی باشد، است. روش پژوهش اسنادی هم به منزله روشی تام و هم تکنیکی برای تقویت سایر روش‌های کیفی در پژوهش‌های علوم اجتماعی مورد توجه بوده است. در این روش، پژوهشگر داده‌های پژوهشی خود را درباره کنشگران، واقیع و پدیده‌های اجتماعی، از بین منابع و اسناد گردآوری می‌کند. بخش قابل توجهی از پژوهش‌های نظری در جامعه‌شناسی، خواسته یا ناخواسته از روش اسنادی بهره می‌برند. در پژوهش اسنادی، منابع اصلی مورد استفاده، کتب و مدارک منشور و منظومی است که از دوره‌های گذشته به جای مانده و جدیداً از اسلاید، فیلم و سایر تکنولوژی‌های ضبط وقایع تاریخی نیز در پژوهش اسنادی استفاده می‌شود. اسنادی که در پژوهش اسنادی مورد استفاده قرار می‌گیرند عمدتاً شامل اطلاعات و نتایجی است که توسط نویسندگان و پژوهش‌گران قبلی در حوزه مورد بحث فراهم گردیده‌اند. اصالت یک تحقیق اسنادی به منابع حائز اهمیتی است که از آنان استفاده می‌شود. پژوهش اسنادی همان‌طور که ذکر شد بر مبنای استفاده از اسناد و مدارک است و زمانی مورد کاربرد است؛ که یا تحقیقی تاریخی در دست انجام باشد و یا آن‌که تحقیق مرتبط با پدیده‌های موجود بوده و محقق درصدد شناسایی تحقیقات قبلی در مورد آن موضوع برآمده باشد و یا آن‌که پژوهش، نیاز به استفاده از اسناد و مدارک را ایجاب نماید و در اصطلاح آن‌که بخواهیم در یک زمینه خاص، مأخذیابی کنیم (ساروخانی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۶).

۳- پژوهش اسنادی یعنی تحلیل آن دسته از اسنادی که شامل اطلاعات درباره پدیده‌هایی است که قصد مطالعه

آنها را داریم. این روش مستلزم جست‌وجویی توصیفی و تفسیری است. در این روش پژوهشگر در صدد آن است که از فهم مقاصد و انگیزه‌های اسناد و متون یا تحلیل تاویلی یک متن خارج شود. سپس آن را به عنوان زبان مکتوب و گفتمان نوشتاری نویسنده، پذیرفته و مورد استناد قرار دهد. بنابراین بستر معرفت‌شناختی و تکنیکی پژوهش اسنادی به پارادایم تفسیری نزدیک است.

-۴

۴- بحث و نتیجه گیری

با توجه به اهمیت غیر قابل انکار ساختار حکمرانی در تعالی بخشی و توسعه آفرینی در یک جامعه، فقدان و یا ضعف نظریه پردازی و مدل سازی بومی آن در عرصه حکمرانی و بکارگیری الگوهای حکمرانی نامناسب با وضعیت فعلی کشور بدون توجه به زیر ساخت های اندیشه ای و معرفتی آن و یا مدل سازی بر مبنای مفروضات و پارادایم های نا آشنا به سرگذشت تاریخی - فرهنگی یک جامعه و گاه متعارض با آن، بستر ناکارآمدی انحطاط دولت ها را فراهم می کند(دلیلی و منصورزاده، ۱۳۹۹، ص ۶). نظام حکمرانی، هم می تواند عامل اصلی رشد و توسعه شود و هم در صورت کژکارکردی می تواند در روند توسعه تأخیر و اخلال ایجاد کند. از این روست که نظریات مختلفی درباره نظام های حکمرانی مطرح شده اند که هر کدام سعی داشته اند الگویی را برای نظام حکمرانی مناسب پیشنهاد دهند. برخی از این نظریات بر دولت گسترده تمرکز داشته اند و برخی دیگر بازار را نیروی اصلی مؤثر قلمداد کرده اند. آنچه از تجارب این رویکردها حاصل شده است نشان می دهد برای رسیدن به الگوی مناسبی از حکمرانی، بیش از آنکه گستره و اندازه دولت اهمیت داشته باشد، توانمندی، ظرفیت های آن و نوع نگاه فضای حکمرانی برای پاسخ به مسائل نقش مهمی ایفا می کند(زمان و عادل، ۱۴۰۰، ص ۳). حکمرانی با شاخص های اصلی و عمده ای چون حاکمیت قانون، مبارزه با فساد، شفافیت و اثربخشی شناخته می شود. وجه مشترک این شاخص ها، تمرکز آنها بر سیاست ها یا ابزارهای بیرونی است. در این چارچوب تلاش می شود با کمک قانون، به گونه ای ساختارها تعریف و طرح ریزی شوند که سامانه های اجتماعی به سمت بهبود و بهینه سازی پیش رفته و همرا با کاستن از آسیب ها و ضعف ها، در پیشبرد اهداف و مأموریت ها، موفق تر عمل کنند. بر این پایه، به نظر می رسد حکمرانی همچنان از توجه به درون انسان و ریشه های درونی رفتارهای اجتماعی انسان غافل بوده یا در مهار و مدیریت آن، ناتوانی ضمنی خود را اعلام می دارد(مزینانی، ۱۳۹۹، ص ۱۶). در الگوی رایج حکمرانی با توجه به محوریت نتیجه گرایی، همه تلاش های در راستای اقدام برای رسیدن به هر روش ممکن است. درحالی که در الگوی متعالی حکمرانی، هرگونه تصمیمی - ولو با بهترین نتایج - مشروع نیست و نمی توان به بهانه تضمین دستیابی به هدف، از هر وسیله ای بهره گرفت. در الگوی رایج حکمرانی با توجه به محوریت نتیجه گرایی، همه تلاش های در راستای اقدام برای رسیدن به هر روش ممکن است. درحالی که در الگوی متعالی حکمرانی، هرگونه تصمیمی - ولو با

بهترین نتایج - مشروع نیست و نمی‌توان به بهانه تضمین دستیابی به هدف، از هر وسیله‌ای بهره گرفت (افخمی و رضایی، ۱۳۹۹، ص ۱). در نهایت باید گفت که کشورداری چیزی جز اتخاذ تصمیم‌های مختلف در شرایط مختلف نیست؛ زیرا چارچوب حکمرانی کشور که از قبل خط مشی‌های ملی بر رفتار، گفتار و اندیشه جامعه‌ساز و جاری می‌شود، مستلزم لحظه لحظه تصمیم‌گیری است و حاکمان، خط مشی‌گذاران متولی اتخاذ تصمیم‌های راهبردی اند؛ تصمیم‌هایی که زیر ساخت تصمیم‌های عملیاتی در سرتاسر شبکه مدیریتی کشور است (دانایی فرد، ۱۴۰۰، ص ۲۴). برای این اساس استقرار کامل حکمرانی ناب به عنوان یک الگوی متعالی مدیریتی - سیاستی مستلزم کاربست مکانیزم‌ها و تحولاتی است که شکل‌گیری توازن و تعادل میان حکومت دموکراتیک و جامعه مدنی به عنوان دو رکن بنیادین حکمرانی مطلوب در کانون این ترتیبات قرار دارد. این امر مهم می‌تواند با اراده و اهتمام ملی آغاز گردیده و با تقویت جامعه مدنی میسر و محقق گردد. به این ترتیب با اتخاذ و اعمال نظریه حکمرانی متعالی، اداره و راهبری جامعه در مسیر تحول نظری و عملی با ایجاد ظرفیت فزاینده و فراگیر نقش آفرینی تمامی شهروندان و بخش‌های جامعه مدنی از ماهیتی متفاوت برخوردار گردیده و به تسهیل، تسریع و تعمیق فرایند توسعه پایدار انسانی و اجتماعی منتهی می‌گردد. با توجه به لزوم دخیل نمودن ارزش‌های اسلامی و باورهای دینی و عقاید اخلاقی منبعت از دین اسلام آنچه تحت عنوان حکمرانی جامع و خوب با رویکردی اسلامی مطرح می‌گردد عنوانی متفاوت خواهد داشت. با توجه به لزوم جامعیت حکمرانی در پوشش مسائل مادی و معنوی (دنیوی و اخروی) که منجر به دست‌یابی به سعادت اخروی (سعادت جامع) می‌شود عنوان «حکمرانی ناب»، جایگزین مناسبی برای حکمرانی متعالی است. براساس مباحث مطرح شده مدل زیر به عنوان مدل حکمرانی ناب توسط پژوهشگر پیشنهاد می‌گردد:



فردی	اجتماعی/سازمانی	الهی
<ul style="list-style-type: none"> • مسئولیت پذیری و پاسخ گویی • خودکنترلی • سلامت اعتقادی و عملکردی • مشارکت اجتماعی • علم گرایی • وحدت گرایی 	<ul style="list-style-type: none"> • مردم سالاری دینی • عدالت گستری • مبارزه با فساد • نهاد گرایی به جای سازمان گرایی • حاکمیت قانون • ساختارگرایی منعطف • شایسته سالاری • توجه به تفاوت فرهنگی 	<ul style="list-style-type: none"> • خدامحوری • تعادل بین نیازهای مادی و معنوی • اسوه پذیری متعالی • ارزش محوری

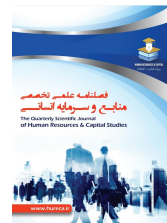
شکل ۴ : ابعاد حکمرانی ناب

منابع

- افخمی محمدامین، رضایی عمار (۱۳۹۹)، حکمرانی خوب و حکمران متعالی، شباهت‌ها و افتراق، دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی، تهران.
- امینی، علی اکبر (۱۳۸۷)، چگونه واژگان بازیچه دست سیاست می شوند. مجله علوم سیاسی و روابط بین الملل . شماره ۲۵۵.
- آقازاده، محمدرضا، عسگری، طیب، شاهی، عادل، و فرهمند، آمنه. (۱۳۹۴). طراحی مدل فرآیندی تدوین استراتژی سازمان های حاکمیتی بر مبنای پارادایم حکمرانی شبکه ای. مدیریت سازمان های دولتی، ۴(۱) (پیاپی ۱۳)، ۵۶-۲۷.
- بشیری، عباس؛ شقاقی شهری، وحید. (۱۳۹۰). حکمرانی خوب، فساد و رشد اقتصادی (رویکردی اقتصادی به مقوله حکمرانی خوب). بررسیهای بازرگانی، (۴۸)، ۸۱-۶۹.
- بمانیان، محمدرضا (۱۳۸۶). بررسی نقش خدامحوری در معماری مسلمانان. نشریه بین المللی علوم مهندسی دانشگاه علم و صنعت ایران. ش ۵. ج ۱۸.
- پورطهماسبی، سیاوش؛ تاجور، آذر (۱۳۸۹). ویژگی ها و وظایف کارگزاران در نهج البلاغه. پژوهشنامه علوی. سال اول. شماره ۲، صص ۲۱-۴۲.
- ثواقب، جهانبخش (۱۳۹۱). مبانی و شاخصه های حکومت علوی. پژوهشنامه علوی. سوم. ش دوم، صص ۱-۲۵.

- جاسبی، جواد؛ نفری، ندا (۱۳۸۸). طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم های باز. فصلنامه علوم مدیریت ایران . شماره ۱۶.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷). جامعه در قرآن . قم : مرکز نشر اسراء.
- جوانمردزاده روح الله، یاسمی منوچهر، جان محمدی امیر(۱۳۹۹)، درآمدی تحلیلی بر تمایزات حکمرانی خوب و حکمرانی متعالی ، حکمرانی اسلامی با زیرعنوان حکمرانی در گام دوم انقلاب، دولت اسلامی؛ چالشها و راهبردها، دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی ، صفحه: ۱- ۲۳
- حسین زاده بحرینی، محمد حسین (۱۳۸۳)، بررسی تطبیقی نظریه حکمرانی خوب با آموزه ها و سیره حکومت امام علی علیه السلام، دفتر بررسی های اقتصادی.
- خاشعی، وحید؛ هرنندی، عطاءاله. (۱۳۹۳). تبیین ابعاد حکمرانی متعالی مبتنی بر سیره حکومتی امام علی (ع): تلفیق رویکرد اجتهادی و تحلیل محتوا. پژوهش های علم و دین، ۵(۱۰)، ۸۵-۱۱۰.
- خیرخواهان، جعفر؛ معینی، محمدرضا (۱۳۸۳). اصلاحات به کجا می رود؟ ده سال دوران گذار: طرح پژوهشی حکمرانی خوب (۷)، تهران: مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، دفتر بررسی های اقتصادی
- دانایی فرد، حسن. (۱۴۰۰). آنچه کیفیت حکمرانی ملی کشور را تهدید می کند: خط مشی های بد، نبود خط مشی های لازم، خط مشی های تأخیری. مطالعات مدیریت دولتی ایران، ۴(۲).
- دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام و دانشگاه آزاد اسلامی(۱۳۸۹)، مجموعه مقالات سومین همایش ملی از سلسله همایش های تخصصی چشم انداز حاکمیت و دولت شایسته در ایران ۱۴۰۴، تهران دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری، ص ۱۱۵
- دلیلی شهاب، منصورزاده محمدباقر(۱۳۹۹)، نسبت سنجی معرفت شناختی حکمرانی متعالی در قیاس با حکمرانی خوب؛ مطالعه موردی: ترسیم الگویی سیاست گذاری در حکمرانی متعالی ، حکمرانی اسلامی با زیرعنوان حکمرانی در گام دوم انقلاب، دولت اسلامی؛ چالشها و راهبردها ، دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی، دوره ۲، صفحه: ۱- ۲۴
- زمان میلاد، عادل محمد(۱۴۰۰)، مسائل نظام حکمرانی از دیدگاه اندیشکده ها، مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه جهاد دانشگاه.
- ساروخانی، باقر(۱۳۸۳)؛ روش های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ هفتم، جلد ۱، ص ۲۵۶.
- سلیمی، جلیل، و مکنون، رضا. (۱۳۹۷). فراتحلیل کیفی پژوهش های علمی ناظر بر مسئله ی حکمرانی در

- ایران. مدیریت دولتی، ۱۰(۱)، ۱-۳۰.
- عابدی درجه، محسن(۱۳۹۹)، الگویابی حکمرانی مطلوب به منظور ارتقاء اقتدار ملی جمهوری اسلامی ایران، رساله دکتری در رشته جغرافیای سیاسی، تهران: پردیس البرز دانشگاه تهران، اساتید راهنما: بهادر زاعی و سیدعباس احمدی، اساتید مشاور: زهرا پیشگاهی فرد و علی اصغر پورعزت.
- عطار، سعید و خواجه نائینی علی (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل عوامل مؤثر بر ناکارآمدی نظام سیاستگذاری در ایران سیاستگذاری عمومی، ۱(۱)، ۱-۲۰.
- غلامی رضا(۱۳۹۹)، مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا، نخستین نشست از سلسله نشست‌های مقدماتی کنفرانس علمی سیاست‌گذاری عمومی و حکمرانی اسلامی، تهران.
- فراهانی، عاطفه (۱۳۸۶). مطالعات قومی: مفاهیم و نظریه‌ها. پژوهشنامه، شماره ۸.
- کامرانی علیرضا(۱۳۹۸)، نقش کارآمدی نظام حاکمیتی(سیاسی-حقوقی) مبتنی بر مردم‌سالاری دینی در تحقق حکمرانی مطلوب و با رویکرد و شاخصه‌های اسلامی در ج.ا.ا، تهران، دومین همایش ملی حکمرانی اسلامی
- مزیانی، مهدی. (۱۳۹۹). حکمرانی جهادی (درآمدی بر تحلیل سیره سردار سلیمانی از منظر آموزه‌های حکمرانی). فصلنامه تخصصی حکمرانی متعالی ۱(۱)، ۱۰۹-۱۲۸.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۲، کاوشها و چالشها تحقیق و نگارش محمد مهدی نادری و سیدابراهیم حسینی، قم، .
- نادری، محمد مهدی (۱۳۹۰)، حکمرانی خوب؛ معرفی و نقدی اجمالی. س اول. شماره اول، صص ۶۹ - ۹
- ناظم بکایی، محسن(۱۳۸۲). فقر از دیدگاه علی(ع). همایش رفتارشناسی علوی در گستره مدیریت. تهران: دانشگاه شاهد
- نژادلر حمیدرضا، غفاری رحمان، احمدی مسعود(۱۴۰۰) الگوی حکمرانی توحیدی با رویکرد نظریه داده بنیاد. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، (۵)، صص ۱-۱۲
- نصراصفهانی، مهدی؛ نصراصفهانی، علی (۱۳۸۹)، شایسته‌سالاری در مدیریت جامعه با تاکید بر اندیشه‌های سیاسی امام علی (ع). معرفت سیاسی. سال دوم. شماره دوم، صص ۱۴۱-۱۶۰.
- نیکونسبتی، علی. (۱۳۹۰). حکمرانی و توسعه: گذشته، حال، آینده. فصلنامه علمی پژوهشی برنامه و بودجه، (۴)، ۱۶(۴)، صص ۱۲۹-۱۵۴.
- الوانی، سیدمهدی. (۱۳۸۸). حکمرانی خوب شبکه‌ای از کنشگران جامعه مدنی. مدیریت توسعه و تحول، ۱(۱)، ۱-۵.



- یقینی، محمود، خزاعی، علی، قائمی، موسی الرضا. (۱۴۰۰). ارائه مولفه های راهبردی حکمرانی محلی فرهنگی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی. فصلنامه تخصصی حکمرانی متعالی، (۱)، ۲(۱)، صص ۱۶۱-۲۱۰.
- Farazmand Ali (2004), Sound governance: policy and administrative innovations, Praeger Publishers, Westport, Conn.
- Farazmand, Ali (2001). 'Comparative and Development Public Administration: Past, Present, and Future', Handbook of comparative and development public administration, 2nd ed., ed.
- Farazmand, Ali (2004 a). 'Globalization and Governance: A Theoretical Analysis', Sound governance: policy and administrative innovations, ed. Ali Farazmand, 27-56, Westport, Conn.: Praeger Publishers.
- Farazmand, Ali (2004 b). 'Sound Governance in the Age of Globalization: A Conceptual Framework', Sound governance: policy and administrative innovations, ed. Ali Farazmand, 1-23, Westport: Praeger Publishers.
- Fatholahi A, Yemeni M, Sabbaghian Z, Farasatkah M, Ghazi Tabatabai M. (2014) Content analysis of Iran's five developmental programs according to higher education governance patterns. ihej; 6(4):47- 82.
- Kaufman, D., Kraay, A. (2007). Governance Indicators: Where Are We, where should we be going? Global Governance Group. Policy Research Working Papers. No. 4370, Washington DC: World Bank
- Kaufmann, Daniel, (2003). "Rethinking Governance: Empirical Lessons Challenge
- Lynn, Jr. Laurence E. (2010), Governance, Foundations of Public Administration, public administration review, 1-40.
- Moradi E, Rahnama A, Heidarian S. The Effect of Indicators of Good Governance on Corruption Control (Case Study: Middle East and South East Asia). Quarterly Journal of Quantitative Economics. 2018; 14(4): 151-182.
- OECD (2012), Recommendation of the Council on Regulatory Policy and Governance, Policy Framework on Sound Public Governance: Baseline Features of Governments that Work Well
- Qolipour, Rahmatullah (2008). Good governance and good government model. Tehran: Expediency Discernment Assembly, Strategic Research Center, Science Production Development Office
- UNDP (1997) Governance for Sustainable Human Development. United Nations Development Program, Characteristics of Good Governance, <http://www.gdrc.org/u-gov/g-attributes.html>.